

مجله ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

تابستان ۱۳۶۸ (۱۹۸۹م)

سال اول، شماره ۲

چند کلمه درباره پروین اعتصامی

با آن که از در گذشت پروین اعتصامی (۱۲۸۵ - ۱۳۲۰ خورشیدی / ۱۹۰۷ - ۱۹۴۱ مسیحی) شاعر معروف معاصر ما کمتر از پنجاه سال می‌گذرد و با آن که هنوز در بین ما ایرانیان، کسانی را می‌توان یافت که او را دیده‌اند و با او سخنی گفته‌اند و یا از وی خاطره‌ای به یاد دارند، آگاهی ما در باره زندگی، خلیقات و پسندهای او آن قدر ناچیز است که اگر کسی بگوید اطلاعات ما در باره وی بیشتر از اطلاعاتی نیست که از شاعرانی چون فردوسی و خیام و سعدی و مولانا و حافظ و امثال ایشان داریم سخنی به گزاف نگفته است. در چنین اوضاع و احوالی، برگزاری کنفرانس پروین اعتصامی در روزهای ۱۷ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۹ (۲۶ تا ۲۸ اسفند ۱۳۶۷) در دانشگاه شیکاگو فرصت مناسبی بود برای بحث در باره پروین، آراء اجتماعی و سیاسی وی و نیز ارزیابی اشعارش. در ضمن، این کنفرانس را می‌توان از جمله کنفرانسهای موفق نام برد که در آمریکا در باره شاعر یا نویسنده‌ای ایرانی بر پا گردیده است، چه سخنرانان هر يك در کمال دقت و با صرف وقت و بویژه هر يك از نظر گاهی خاص پروین و شعرش را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند که همه جالب توجه و آموختنی بود.

در این کنفرانس به پیشنهاد نویسنده این سطور، بر گزار کنندگان کنفرانس آقایان حشمت مؤید، حمید دباشی، محمد توکلی طرّقی موافقت کردند خطابه های سخنرانان نخست به زبان فارسی در شماره دوم مجله ایران شناسی بچاپ برسد تا هموطنان پروین و دیگر فارسی زبانان که به این گونه مباحث بیش از خارجیان علاقه مندند از آنها بهره مند گردند. در اجرای این تصمیم، بخش اول این شماره به پروین اعتصامی اختصاص داده شده است و پنج مقاله از مقالات آن کنفرانس در این شماره از نظر خوانندگان گرامی می گذرد. وظیفه خود می داند که از برگزار کنندگان کنفرانس، و نیز نویسندگان مقالات که هر يك با علاقه مندی تحریر جدیدی از سخنرانی خود را به زبان فارسی در اختیار مجله ایران شناسی قرار داده اند سپاسگزاری کنند.

پیش از آن که خوانندگان به مقالات اساسی در باره پروین اعتصامی بپردازند، بی مناسبت نمی داند که نظر خود را تنها در باره چند موضوع مربوط به پروین اعتصامی، فهرست وار در این جا ذکر کند، بدین امید که شاید محققان جوان را بکار آید:

- ۱ - گفته می شود که اشعار پروین تاریخ ندارد و نمی دانیم وی هر يك از آنها را در چه زمانی و به چه مناسبتی و در چه حال و هوایی سروده است. این سخن بطور کلی درست است. ولی باید در نظر داشت که در اشعار پروین، از نظر تاریخی، سه دوره کاملاً متمایز قابل تشخیص است: ۱ - یازده قطعه شعری را که وی حداکثر تا چهارده پانزده سالگی خود در فاصله شعبان ۱۲۳۹ تا جمادی الاول ۱۳۴۱ ق.ه^ق (۱۲۹۹ - ۱۳۰۱ خورشیدی / ۱۹۲۰ - ۱۹۲۲ مسیحی) سروده، اشعار سالهای نوجوانی اوست. با توجه به این که نوشته اند وی اولین شعر خود را در سن هفت یا هشت سالگی سروده است؛ ۲ - اشعاری که در چاپ اول دیوان او (۱۳۱۴ خورشیدی) آمده است، - بجز یازده قطعه مذکور در فوق - اشعاری است که پروین آنها را از حدود ۱۵ تا ۳۰ سالگی خود سروده است؛ ۳ - بیش از پنجاه قصیده و قطعه ای که در طبع دوم دیوان او (۱۳۲۰ خورشیدی) افزون بر طبع اول چاپ شده، محصول آخرین سالهای عمر پروین یعنی از ۳۰ تا ۳۵ سالگی اوست.^۲ البته بعید نمی نماید که بعضی از اشعار مذکور در چاپ اول دیوان (علاوه بر یازده قطعه مورد بحث) نیز مربوط به دوره اول شاعری او باشد، همچنان که ممکن است برخی از اشعاری را که در ذیل شعرهای دوران سوم او چاپ کرده اند، متعلق به دوره اول و دوم شاعری او باشد که به عللی از چاپ آنها در طبع اول دیوان خودداری کرده اند. دلیل ما در این زمینه آن است که شعر «نهال آرزو» را که پروین در سال ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ در ۱۸ سالگی سروده است، در چاپ اول دیوان (۱۳۱۴) نیاورده، و آن را در چاپ دوم (۱۳۲۰) با ذکر تاریخ سرودن آن چاپ کرده اند.^۳ چرا؟ ظاهراً بسبب این که پدر پروین،

اوضاع و احوال اجتماعی ایران را، حتی در دوره اول سلطنت رضاشاه و پیش از «کشف حجاب»، برای چاپ شعری مناسب نمی دانسته است که در آن از ستمی که بر زنان ایرانی می رود، سخن گفته شده بوده است و از آزادی زنان.

بعلاوه لا اقل چهار قطعه شعر او نیز دارای تاریخ دقیق است که پروین هر يك از آنها را بمناسبتی خاص سروده است: ۱ - «نهال آرزو» در جوزای (خرداد) ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ که بهنگام فارغ التحصیلی خود از مدرسه دخترانه امریکایی تهران در باره زنان ایران سروده است؛^۱ ۲ - قطعه ای که در تیرماه ۱۳۱۴ / ۱۹۳۵ بمناسبت طبع اول دیوان اشعارش سروده و آن را به پدر خود تقدیم کرده است؛^۲ ۳ - «گنج عفت» را که در اسفند ۱۳۱۴ / ۱۹۳۶ بمناسبت اعلام کشف حجاب از سوی رضاشاه سروده؛^۳ ۴ - قطعه ای را که پس از مرگ پدرش سروده است، یعنی پس از ۱۱ دی ماه ۱۳۱۶ / ۱۹۳۸.^۴

اینک که بطور کلی اشعار پروین را در سه دوره متمایز از یکدیگر قرار دادیم، ذکر چند موضوع دیگر نیز از نظر مضامین و سبک اشعارش بیفایده نیست. نخست آن که پروین یکی از تندترین اشعار سیاسی - اجتماعی خود، «صاعقه ما ستم اغنیاست»، را در محرم ۱۳۴۰ ه. ق (حدود ۱۳۰۰ / ۱۹۲۱) هنگامی که حداکثر پانزده ساله بوده سروده است، یعنی در اواخر دوران قاجاریه و پیش از آن که رضا شاه پهلوی به سلطنت رسیده باشد.

تکیه بسیار شاعر بر قضا و قدر، بویژه در اکثر اشعاری که در فاصله طبع اول و دوم دیوانش (۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰) - یعنی در عصر قدرت رضا شاهی - سروده، قابل توجه و اعتناست. لحن تند انتقادی شعرهای «رنجبر»، «شکایت پیرزن»، «کجروی»، «گنج ایمن»، «مناظره» و «نامه به نوشیروان» را که مربوط به همین سالهاست از این اصل کلی باید مستثنی کرد. از سوی دیگر بر محققان و صاحب نظران پوشیده نیست که در شعر و نثر کهن فارسی نیز بارها و بارها اعمال بیرویه شاهان و قدرتمندان و توانگران نسبت به آحاد رعیت و مظلومان و بیثوابان مورد انتقاد شدید قرار گرفته است که نمونه های آن را بخصوص در آثار سنائی و نظامی و سعدی و... می توان یافت نظیر: پیر زنی را ستمی در گرفت / دست زد و دامن سنجر گرفت... موضوع مهم دیگر، استواری برخی از اشعار دوران نوجوانی پروین است. فی المثل قطعه «ذره» را که وی در سال ۱۳۲۹ ه. ق در سن چهارده پانزده سالگی سروده است از نظر سبک و اسلوب و حتی مضمون یادآور اشعار استادان قرون پیشین است. به این چند بیت در قطعه مورد بحث توجه بفرمایید:

اگر به عقل و هنر همسر فلاطونی وگر به دانش و فضل استاد لقمانی

به آسمان حقیقت به هیچ پر نپسری
 به خلوت احدیت رسید نتوانی
 در آن زمان که رسی عاقبت به حد کمال
 چو نیک در نگری در کمال نقصانی
 گشود گوهری عقل گر چه بس کانه‌ها
 نیافت هیچ‌گه این پاک گوهر کانی..'

۲. در گفتگو از خلیات پروین و عکس‌العمل‌های او در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی دوران حیاتش، هرگز نوشته آن مرد امریکایی را که در سال ۱۹۲۶ (۱۳۰۵) با وی مصاحبه کرده است نباید از نظر دور داشت. او نوشته است پروین «فوق العاده کمرو بود... در کم نورترین گوشه اطاق نشسته بود و در تمام مدت يك ساعت و نیم که من حضور داشتم چهره خود را زیر حجاب پوشانده بود و وقتی برای خداحافظی با او دست دادم از وحشت نزدیک بود هلاک شود.» بدین سبب، عدم موافقت پروین را با تقاضای پروفیسور محمد اسحق دانشمند هندی، که می‌خواست است با این شاعر زن سرشناس ایران ملاقات کند، به چیزی جز همین شرم و حجب فوق العاده وی نمی‌توان تعبیر کرد. "شگفت انگیز است که پروین با آن که در خانه‌ای تربیت شده بوده است که عده‌ای از رجال طراز اول ادب ایران در آن رفت و آمد داشته‌اند و او لااقل گاه‌گاه آنان را می‌دیده است و در گفتگوهای کوتاه با آنان شرکت می‌جسته و به پرسش‌های ایشان پاسخ می‌داده و مورد تشویق و تمجید آنان نیز قرار می‌گرفته است، و با آن پدرش مردی روشنفکر و صاحب‌قلم بوده و خود پروین هم به هر حال در يك مدرسه خارجی تحصیل کرده بوده است و در سال ۱۳۰۳ نیز در خطابه و شعرش از آزادی زن سخن گفته بوده است، وقتی با يك مرد امریکایی روبرو می‌شود این چنین خود را می‌بازد و باصطلاح دست پاچه می‌شود. بدین جهت حجب فوق العاده و مردم‌گریزی را باید از جمله صفات بارز او دانست. آن گاه در چنین وضعی اگر دربار پهلوی هم از وی برای آموزش ملکه پهلوی و ولیعهد ایران دعوت کرده باشد (که ظاهراً بجز يك روایت در این باب سند دیگری در دست نداریم)، آیا پذیرفتن دعوت دربار را - چنان که در این روایت آمده است - نمی‌توان در درجه اول معلول «خجالتی» بودن پروین دانست. دختری با چنان خلیاتی چگونه می‌توانسته است قلم به دربار و خانه شاه بگذارد و هر روز از کنار دهها نگهبان و مراقب رد شود و با آداب خاص، به ملکه‌ای که لایق همسن مادر او بوده است درس بدهد، آن هم در دربار رضاشاه پهلوی با آن جبروت و قدرت و گفتگوهایی که در باره آن در خفا بر سر زبانها بوده است. از سوی دیگر اگر چنان دعوتی نیز از وی شده باشد، با توصیفی که از رضاشاه و قدرت و استبدادش می‌کنند، آیا بسادگی می‌توان پذیرفت که پروین اعتصامی به آزادی‌شانه‌های خود را بالا انداخته باشد که: نه، به چنان درباری قدم نمی‌گذارم. آیا ممکن است دربار آن چنانی، این نافرمانی را اهانت

تلقی نکرده و به روی خود نیاورده باشد! این نیز مطلبی است در خور تحقیق و بررسی از جهات مختلف.

۳. ولی در این امر تردیدی نیست که همین دختر خجالتی کمرو برآستی - باصطلاح آن روزگار - به «آزادی نسوان» از دل و جان اعتقاد داشته است. اگر پس از کشف حجاب، در دوران رضا شاه یا محمد رضاشاه پهلوی زنان و مردانی در باره آزادی زن سخن گفته و تند هم رفته باشند، کار مهمی انجام نداده اند، چون حاکم وقت به هر حال، با این گونه کارها موافق بوده است. ولی پروین اعتصامی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی که هنوز رضا شاه به سلطنت نرسیده بوده است در جشن فارغ التحصیلی اش در مدرسه دخترانه امریکایی، هم در خطابه ای مؤثر در باره ستمی که بر زنان ایران می رفته است داد سخن داده، و هم در شعر «نهال آرزو» فریاد برآورده است که «از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره اند!» به نظر من اظهار نظرهای پروین در باره آزادی زنان در آن زمان آن قدر تند بوده است که پدر پروین بحق مصلحت ندانسته است شعر «نهال آرزو»ی او را در سال ۱۳۱۴، و پیش از کشف حجاب، در دیوان پروین چاپ کنند. بعلاوه پروین در اسفند ۱۳۱۴، بمناسبت کشف حجاب، قصیده ای با عنوان «گنج عفت» سروده است بمطلع:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیشه اش جز تیره روزی و پریشانی نبود
و در پایان آن، اقدام رضاشاه را در آزادی زنان ایران مورد ستایش قرار داده است:

خسروا، دست توانای تو آسان کرد کار	ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود
شه نمی شد گر در این گمگشته کشتی ناخدای	ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود
باید این انوار را پروین به چشم عقل دید	مهر رخشان را شاید گفت نورانی نبود

آیا بنظر می رسد که با آن مقدمات، این قصیده، باصطلاح، «فرمایشی» باشد و مأموران شهربانی و تأمینات زمان، شاعر را به سرودن آن واداشته باشند؟

۴. برای آن که دقیقاً روشن شود پروین تا چه حد از نظر دستور زبان فارسی و واژگان و مضامین شعری تحت تأثیر شاعران استاد کهن بوده است، بسیار بجاست که زیر نظر استادی ایرانی و علاقه مند و دلسوز و آشنا به متون کهن فارسی، دانشجویی علاقه مند و با سواد به بررسی دیوان پروین اعتصامی بپردازد و از جمله به فراهم آوردن فرهنگ بس آمدی (Frequency) دیوان وی دست بزند. این نکته را نیز از یاد نبریم که نوشته اند وقتی پروین هفت یا هشت ساله بود، پدرش شعری را از زبان فراتسه به فارسی ترجمه کرد و پروین آن را به سبک انوری به زبان فارسی منظوم ساخت.^{۱۳}

۵. و برای آگاهی بیشتر از خلیقات پروین، که براساسی از آن کم می دانیم - و با آن که وقت هم بسیار تنگ است - شایسته است همه کسانی که مستقیم یا غیر مستقیم با پروین در خانه و مدرسه و محل کار و در رفت و آمدها سروکار و تماس داشته اند، اطلاعات خود را در پاره وی - از زمان کودکی تا مرگ - ولو بسیار محدود باشد، با ذکر نام و نشان خود بنویسند و برای چاپ در مجله، ایران شناسی بفرستند تا آنها را برای اطلاع محققان چاپ کنیم. روی سخن در این قسمت بیشتر با کسانی است که در دوره کتابداری پروین اعتصامی در دانشسرا دانشجوی آن مدرسه بوده اند و روزی چند ساعت به گونه ای یا وی سروکار داشته اند.

ع . م

یادداشتها:

- ۱ - حمید دهاش، «پروین اعتصامی در شیکاگو»، ایران شناسی، سال ۱، ش ۱، ص ۱۹۱ - ۱۹۷.
- ۲ - این اشعار در مجله بهار، جلد دوم، چاپ دوم، اسفند ۱۳۲۱، ص ۱۳۴ - ۱۵۰، با قید شماره و صفحه و تاریخ در چاپ اصلی آمده است. بنقل از: حشمت مزید، «به یاد هشتادمین سالگرد تولد پروین اعتصامی»، ایران نامه، سال ۶، ش ۱ (پائیز ۱۳۶۶)، ص ۱۱۶ - ۱۴۲.
- ۳ - دیوان قصاید و مشتریات و مقطعات خانم پروین اعتصامی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۲۰، ص: ی. این قصائد و قطعات در چاپ دوم با نشانه * مشخص گردیده است.
در این نوشته مختصر، هر جا به دیوان پروین اعتصامی ارجاع داده شده، منظر همین چاپ است.
- ۴ - دیوان پروین اعتصامی، ص ۲۶۱ - ۲۶۲، با ذکر این عبارت: «شاعر در جزای ۳-۱۳ از مدرسه انائیه امریکایی تهران فارغ التحصیل شد. قطعه ذیل را برای جشن فارغ التحصیلی خود سرود.» این قطعه در چاپ دوم با نشانه * مشخص گردیده است.
- ۵ - دیوان، همان صفحه.
- ۶ - دیوان، پیش از آغاز اشعار دیوان. شماره صفحه ندارد.
- ۷ - دیوان، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.
- ۸ - دیوان، در صفحه ماقبل آخر دیوان چاپ شده است. شماره صفحه ندارد.
- ۹ - دیوان، ص ۱۴۵.
- ۱۰ - Vincent Sheean, *The New Persia*, New York, 1927, P.257. بنقل از حشمت مزید، همان مقاله.
- ۱۱ - M. Ishaque, *Islamic Culture*, Vol.18 (1943), NO.1, P.49. بنقل از حشمت مزید، همان مقاله.
- ۱۲ - ابرالفتح اعتصامی، تاریخچه، زندگانی پروین اعتصامی. مجموعه مقالات و اشعار که بمناسبت در گذشت و اولین

سال وفات خانم پروین اعتصامی نوشته و سروده شده است. ضمیمهٔ دیوان اشعار پروین اعتصامی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۵۳، ص ۷. بنقل از حشمت مزید، «جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی»، ایران شناسی، سال ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۸) ص ۲۱۷.

۱۳ - سید نصرالله تقوی، بنقل از حشمت مزید، «به یاد هشتمین سالگرد تولد پروین اعتصامی»، ایران نامه، سال ۶، ش ۱ (پائیز ۱۳۶۶)، ص ۱۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی